

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر اگر به نحوی اصولی در جامعه پیاده شود، موجب تداوم ارزشهای دینی شده که ضمانتی قوی جهت اجرای دستورات الهی و دوری از مناهی است و باعث همسویی و انسجام مسلمین به سوی قرب الی الله شده، جلوی ظلم و ستم را می‌گیرد و در برابر رواج سنتهای غلط می‌ایستد و در یک کلام شرایط رستگاری جامعه اسلامی را فراهم می‌سازد. با توجه به تهاجم همه جانبه دشمنان اسلام برای نفوذ و ضربه زدن به آن، به ویژه از راه تهاجم فرهنگی و با توجه به ضرورت آشنایی بیشتر با مبانی فرهنگ اسلامی برای دفاع از اسلام و حیثیت خود، به ضرورت بحث از این فریضه بزرگ الهی پی‌می‌بریم.

این نوشتار در پی آن است که پس از بیان معنای امر به معروف و نهی از منکر و اشاره به راه‌های شناخت معروف و منکر، جایگاه این امر خطیر را در آیات و روایات بررسی کند تا بدین وسیله با ضرورت و عواقب ترک آن بیشتر آشنا شویم.

کلیدواژه‌ها: امر به معروف، نهی از منکر، شرع

محمد بخشی

دانشجوی کارشناسی فقه و حقوق امامیه ورودی ۸۵ دانشگاه مذاهب اسلامی

احیای امر به معروف و نهی از منکر با رویکرد قرآنی و روایی



مفهوم شناسی

امر: دارای دو معنا است:

(۱) به معنای کار و چیز،^۱ در این معنا به صورت امور، جمع بسته می‌شود و فعل و صفت از آن مشتق نمی‌شود، در آیاتی از قرآن به همین معنا استعمال شده است.

«...و شاورهم فی الأمر...»^۲ در کارها با آنان مشورت کن.

«...و إلی الله ترجع الأمور»^۳ همه کارها به خدا برمی‌گردد.

(۲) به معنای دستور و فرمان و برانگیختن به چیزی،^۴ اگر به این معنا باشد، جمع آن اوامر است و فعل و صفت از آن مشتق می‌شود که در آیاتی از قرآن به این معنا استعمال شده است.

«قل أمر ربی بالقسط...»^۵ بگو پروردگار، به قسط و عدل، فرمان داده است.

«و یسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربی و...»^۶ از تو درباره روح سؤال می‌کنند، بگو روح از فرمان پروردگار من است.

و مقصود از کلمه امر به معروف، معنی دوم آن است.

نهی: به معنی بازداشتن و منع کردن از چیزی.^۷

«وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ۗ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ»^۸ آن کسی که از مقام پروردگارش بترسد و نفس خود را از هوی و هوس باز دارد، بهشت جایگاه اوست.

معروف: راغب اصفهانی می‌گوید: «المعرفة و العرفان، ادراک الشیء بتفکر و تدبیر لآخره»^۹ معرفت و عرفان، شناختن چیزی است از روی تفکر و تدبیر به واسطه اثر آن و درباره معروف می‌گوید: «و المعروف اسمٌ لكل فعل يُعْرِفُ بالعقل أو الشرع حُسنه»^{۱۰} هر کار خوبی که به واسطه عقل یا دین شناخته شود، معروف نام دارد.

سپس مثالی می‌آورد: بر همین اساس میانه‌روی در جود و بخشش، معرفت شمرده شده است.^{۱۱}

منکر: «و المنکرُ کلُّ فعلٍ تحکم العقولُ الصَّحیحَةُ بِقبحه، و تتوقف فی استصحابه و استحسانه العقولُ، فتحکم بِقبحه الشریعة»^{۱۲} هر عملی را که عقول صحیح و سالم (که گرد و غبار هواپرستی آن را نبوشانده باشد) به زشتی و قبح آن حکم نمایند، منکر نامیده می‌شود، یا اگر عقل نداند که آن کار خوب است یا بد و مردد بماند ولی شریعت به بدی و ناپسندی آن حکم کند، آن نیز منکر است.

شهید ثانی در توضیح مفهوم امر به معروف و نهی از منکر فرموده است: «الامرُ بالمعروف، هو الحملُ العملِ علی

الطاعة قولاً أو فعلاً و النهی عن المنکر هو المنع من فعل المعاصی قولاً أو فعلاً»^{۱۳} امر به معروف واداشتن دیگران به پیروی از اوامر خداوند است و نهی از منکر مانع شدن از انجام گناهان است، به زبان یا عمل.

میر شریف جرجانی در این زمینه می‌نویسد: «الامرُ بالمعروف هو الارشادُ الی المرشد،^{۱۴} المُنجیه و النهی عَنِ الْمُنْكَرِ الرَّجْرُ عَمَّا لَا يُلَايِمُ فی الشریعة و قیل: الامرُ بالمعروف امرٌ بما یوافقُ الکتاب و سنة و نهی عن المنکر نهیٌ اما تمیل الیه النفس و الشهوة»^{۱۵} امر به معروف، ارشاد و راهنمایی به راه‌های نجات‌بخش است و نهی از منکر بازداشتن از اموری است که با شریعت سازگاری ندارد و ... گفته‌اند: امر به معروف، امر به فرمان مطابق کتاب و سنت است و نهی از منکر بازداشتن از چیزهایی است که نفس و شهوت به آن تمایل دارند.

شناخت معروف و منکر

نخستین قدم در انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر شناخت معروف و منکر است؛ زیرا یکی از مهم‌ترین شروط آمرین به معروف و ناهیان از منکر (طبق روایات) عالم بودن شخص به آنچه که امر و نهی می‌کند، می‌باشد، امام صادق (ع) در این راستا فرمودند: العاملُ علی غیر بصیره کالسائر علی غیر الطريق لایزیده سرعه السیر الا بعداً: آن کس که بدون شناخت و بصیرت اقدام به انجام عملی می‌کند، همانند رونده‌ای است که مسیر اشتباهی می‌پیماید و شتاب بیشتر، تنها او را از مقصد دورتر می‌کند.^{۱۶} با توجه به فرمایش امام (علیه السلام) چه بسا در صورت عدم شناخت، شخص مرتکب منکر شود، با این وجود چگونه می‌تواند به امر و نهی دیگران بپردازد.

همان‌گونه که پس از اعلامیه جبهه ملی در رابطه با لایحه قصاص و غیر انسانی خواندن آن و نیز دعوت عموم به راهپیمایی علیه آن، امام خمینی (ره) در جمع اقشار مختلف مردم، برداشت انحرافی جبهه مذکور از امر به معروف و نهی از منکر را متذکر شدند و در فرازی از بیانات خویش خطاب به جبهه ملی فرمودند: [این گونه] امر به معروف و نهی از منکر [کردن] فقط منجر می‌شود که دولت اسلامی را بسا کوبندگی به قیام و شورش [در زمینه] امر و نهی دعوت کنید؟ این مردم را امر به شورش می‌کنید. آیا این امر به منکر نیست؟ این امر به فساد نیست.^{۱۷}

معروف و منکر را از سه راه می‌توان شناخت:

(۱) فطرت: سرشت و خلقت انسانها به‌گونه‌ای است که ذاتاً طالب معنویات، جوای کمالات و زیباییها هستند

آن است، شناختی ندارد و اگر هم داشته باشد، ناقص و نارسا است. بنابراین پیامبران مبعوث گشتند و راهنمایی از سوی خداوند (رب هستی و کمال مطلق) فرستاده شدند تا هم راه نشان دهند و هم موانع موجود بر سر راه رشد و کمال انسانی را به گونه‌ای کامل تبیین سازند و هم چگونگی مبارزه با این موانع و نیز راه خیزش به سمت کمال و جهش به سوی تعالی را روشن نمایند.

شریعتها و ادیان هر کدام، به مقتضای شرایط زمان خویش، به تبیین راه رسیدن به کمال (معروفها) و موانع رشد و کمال (منکرها) پرداخته‌اند و مکتب مقدس اسلام که جامع‌ترین آنهاست به گونه‌ای جامع و کامل، معروفها و منکرها را روشن نموده است که دو منبع مهم و عظیم و اصلی آن قرآن و سنت معصومین (علیهم‌السلام) است. لکن با توجه به رعایت اجمال در مطالب به نمونه‌هایی از آیات و روایات بسنده می‌کنیم:

امر به معروف و نهی از منکر در قرآن

(۱) آیاتی که امر به معروف و نهی از منکر را از صفات برجسته خداوند، پیامبران و مؤمنان معرفی می‌کنند: ۱-۱ آفریدگار جهان نخستین کسی است که امر به معروف و نهی از منکر کرده است چنانکه در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ». ۲۰ همانا خداوند به عدل و احسان و بخشش به خویشاوندان امر می‌کند و از کارهای زشت و ناپسند و تجاوز به حقوق دیگران نهی می‌نماید و شما را موعظه می‌کند، باشد که پند گیرید.

یکی از یاوران بزرگ اسلام به نام «عثمان بن مظعون» می‌گوید: وقتی این آیه بر پیامبر اسلام (ص) نازل شد، من حقانیت اسلام را درست باور کردم و اعتقاد به این آیین در دلم جای گرفت. ۲۱

۱-۲ چون پیامبران، بار سنگین رسالت و هدایت انسانها را بر دوش داشتند، به‌طور مستمر و پیگیر به امر به معروف و نهی از منکر می‌پرداختند و لحظه‌ای در این راه کوتاهی نکرده و تأخیر را روا نمی‌دانستند، روزی نبود که مردم را از شرک و بت پرستی، ظلم و ستم، قتل و غارت و ... نهی و به توحید و یکتا پرستی، عدل و انصاف و ... دعوت نموده باشند، قرآن کریم در توصیف حضرت اسماعیل (ع)

و از پستیها و زشتیها متنفر می‌باشند، بنابراین می‌توان آنچه را که فطرت سلیم انسانی، خوب، کمال و زیبایی می‌داند، معروف و آنچه را که از آن نفرت دارد و گریزان است، منکر نامید. اصولاً پیامبران الهی برای بیدار کردن همین فطرت و پاکسازی آن از گرد و غبار تأثیر محیط و سنتهای نادرست، مبعوث گشته‌اند. فطرت نهادی است که دائماً متوجه ذات باری تعالی است و انسان را از وسوسه‌های شیطانی دور می‌سازد. به بیان دیگر باید گفت: تشخیص فطری معروف و منکر، یک تشخیص کاملاً پاک و صحیح است، البته آنچه بیان شد درباره افرادی است که سلامت فطری خود را پاس داشته و آن را حفظ کرده‌اند، وگرنه کسانی که یک عمر در جنایت و رذالت بوده‌اند این مسائل را درک نکرده و چه بسا آن را به استهزاء می‌گیرند، در قرآن آیات متعددی در این باره وجود دارد:

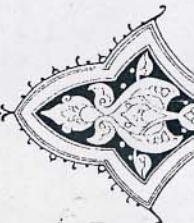
«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا، فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا...» ۱۸

به سوی آیین خالص روی بیاور، این فطرتی است که خداوند انسانها را براساس آن آفریده است.

(۲) عقل: یکی از بالاترین نعمتهایی است که خداوند متعال بر انسانها ارزانی داشته است، به ودیعه نهادن این گوهر گرانبها وسیله سعادت، ابزار معرفت و شناخت خداوند و حقایق هستی و سبب نجات و رستگاری جاودانی در انسان می‌باشد.

شخصی از امام صادق (علیه‌السلام) می‌پرسد: ما العقل؟ قال (علیه‌السلام): ما عید به الرحمن و اكتسب به الجنان... ۱۹ عقل چیست؟ فرمودند: چیزی است که به واسطه آن، خداوند پرستش می‌شود و بهشت به دست می‌آید. مسلم است که منظور، عقل سلیم می‌باشد؛ یعنی عقلی که در مسیر حق باشد، چرا که عقل، پیامبر درونی بشر است و با استفاده از آن می‌توان فهمید، چه چیز خوب است و چه چیز بد است. مثلاً از راه عقل می‌توان به ناپسندی ظلم و پسنیدیده بودن عدل حکم کرد.

(۳) شرع: از آنجا که ممکن است شخص به واسطه ارتکاب معاصی، سلامت فطری کافی را از دست بدهد، در نتیجه این فطرت نمی‌تواند شخص را به معرفت و دوری از منکر رهنمون سازد و از طرفی عقل نیز، به تمام زوایای ابتدا تا انتهای راه کمال که هدف از خلقت انسان وصول به



می‌فرماید: «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا» و كان يأمرُ أهله بالصلاة والزكاة كان عند ربّه مرضياً»^{۲۲} از اسماعیل (ع) در کتاب آسمانی خود یاد کن، همانا او در وعده‌های خویش صادق، فرستاده و پیامبر بود، او همواره اهل (خانواده و نزدیکان) خود را به نماز و زکات فرمان می‌داد و نزد پروردگارش مورد رضایت بود.

۳-۱ قرآن در آنجا که به معرفی پیامبر اسلام به اهل کتاب (یهود و نصاری) می‌پردازد می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ...»^{۲۳} مؤمنین از اهل کتاب کسانی هستند که از پیامبر امّی (درس ناخوانده) تبعیت و پیروی می‌نمایند، چنان پیامبری که (صفات و خصوصیات) او را در تورات و انجیل می‌یابند، پیامبری که آنان را امر به معروف و نهی از منکر می‌کند.

۴-۱ «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...»^{۲۴} مردان و زنان با ایمان ولی یکدیگرند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

۵-۱ همچنین خداوند در توصیف انسانهای با ایمانی که با «جان و مال خویش» با خداوند معامله می‌کنند می‌فرماید: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»^{۲۵} مؤمنان اهل توبه و عبادت هستند، خدا را حمد گویند، سیاحتگرند (به معنای ظاهری یا عرفانی آن)، رکوع کنندگان، سجده‌کنندگان، آمرین به معروف و ناهین از منکر و پاسداران حدود و احکام خداوند هستند، به این مؤمنان بشارت ده.

۶-۱ قرآن کریم در وصف عملکرد انسانهای صالح و شایسته چنین فرموده است: «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ»^{۲۶} گروهی هستند که به خداوند و قیامت ایمان دارند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند و در انجام کارهای خیر شتاب می‌کنند و آنان از شایستگان هستند.

در این آیه از میان همه اوصاف و خصوصیات که انسانهای مؤمن و صالح دارند، اول اعتقاد به خداوند و معاد و پس از آن امر به معروف و نهی از منکر را بیان داشته است. یعنی امر به معروف و نهی از منکر را در کنار ایمان به مبدأ و معاد که دو اصل اساسی از اعتقادات هستند، قرار داده است و این مقارنت، اهمیت این دو فریضه الهی را بیشتر نشان می‌دهد.

بنابراین انسانهای مؤمن و صالح، گذشته از آنکه همواره مراقب احوال و اعمال خود هستند، از روی خیرخواهی و دلسوزی به پند و اندرز دیگران نیز همت گماشته و آنان را به خوبیها دعوت می‌کنند و از بدیها برحذر می‌دارند.

این خصوصیات به‌ویژه با توجه به اینکه آنان پیامبر (ص) و پیشوایان معصوم (ع) را به مقتضای «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»، اسوه و الگو و راهنمای عمل خویش قرار داده‌اند، معنا و مفهوم پیدا می‌کند؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد، امر به معروف و نهی از منکر از خصوصیات و ویژگیهای بارز انبیاء و اوصیا (ع) می‌باشد.

۲) آیاتی که در ضمن ارج نهادن به مقام مؤمنان، آنان را موظف به برپایی امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

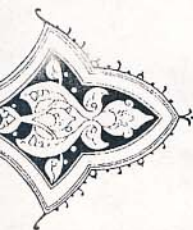
۱-۲ «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^{۲۷} و باید از شما گروهی باشد که به نیکی فراخوانند و به کار شایسته فرمان دهند و از کار ناپسند بازدارند و اینانند که رستگارند.

از دیگر ابعاد برجسته‌ای که با توجه به امر خداوند در این آیه شریفه، بیانگر اهمیت ویژه امر به معروف و نهی از منکر است، ضرورت ایجاد تشکیلاتی در این راستا می‌باشد که این تشکیلات، آمرین به معروف و ناهین از منکر را منسجم نموده و برای این وظیفه مهم آماده گرداند. بنابر ظاهر آیه مبارکه، می‌بایست عده‌ای اجرای این فریضه بزرگ را برعهده گیرند و نکته جالب توجه، مطلب پایانی آیه شریفه است که در آنجا، افرادی را که عهده‌دار انجام این امر الهی هستند مُفْلِح (رستگار) دانسته است؛ یعنی خود این عمل فلاح و رستگاری می‌آورد و عامل آن رستگار می‌گردد.

البته ممکن است شبهه‌ای ایجاد شود که بنابر آیه شریفه امر به معروف و نهی از منکر وظیفه گروه خاصی می‌باشد، نه وظیفه همه مسلمانان؟ در جواب این شبهه باید گفت: طبق فرموده امام خمینی (ره) «امر به معروف و نهی از منکر از واجبه‌ای کفایی شمرده می‌شود»^{۲۸}.

معنای این سخن آن است که انجام آن بر همگان واجب و لازم است، ولی غرض و مقصود شارع اقدس، با انجام برخی از مسلمانان حاصل می‌شود، بنابراین اگر عده‌ای به این کار پرداختند، از عهده دیگران ساقط می‌گردد، اما اگر به این مهم نپردازند، گناه ترک این واجب الهی دامنگیر همه می‌شود.

قرآن کریم دامنه نفوذ و اجرای قانون امر به معروف و نهی از منکر را از فضا و محدوده جامعه اسلامی بالاتر برده و تمام مردم جهان را مشمول اجرای این فرمان و حکم الهی دانسته و مسلمانان را موظف می‌کند که علاوه بر محدوده جوامع



اسلامی و دنیای اسلام، در گستره کره زمین و سرتاسر جهان دعوت به نیکبها و نهی از بدیها را سرلوحه اعمال و اهداف خویش قرار دهند. ۲-۲ «کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر...»^{۲۹} شما مسلمانان بهترین امتی هستید که به نفع تمام مردم جهان برخاسته‌اید؛ زیرا توده‌های مردم دنیا را به نیکبها و اعمال نافع دعوت می‌کنید و از بدیها و پلیدیها نهی می‌نمایید.

بنابر آیه مبارکه، امر به معروف و نهی از منکر اصل و قانونی است فراگیر و جهانشمول که هرگز نمی‌توان آن را به مکان و زمان خاصی محدود و محصور نمود. ۳) آیاتی که ترک کنندگان این دو فریضه بزرگ الهی را مورد نکوهش قرار می‌دهد.

۳-۱ «فلولا کان من القرون من قبلکم اولوا بقیة ینهون عن الفساد فی الارض الا قلیلاً ممن انجینا منهم و اتبع الذین ظلموا ما اترفوا فیہ و کانوا مجرمین»^{۳۰} چرا در امتهای گذشته مردمی با عقل و ایمان وجود نداشتند که دیگران را از فساد و اعمال زشت نهی کنند تا ما مثل آن عده قلیل (مؤمنانشان) که نجات دادیم همه را نجات و رهایی بخشیم؟ و ستمکاران از پی نعمتهای ناپایدار دنیوی رفتند، که مردمی بدکار و کافر به جهان آخرت بودند. قرآن کریم در این آیه شریفه یادآور می‌شود که آنچه موجب گسترش فساد و تباهی و هلاکت انسانها می‌شود، امتناع و خودداری از عمل به قانون امر به نیکبها و نهی از بدیهاست؛ زیرا چنانچه مردم صالح، گناهکاران را از کژراهه‌ها منع می‌کردند و از انجام فساد و ستم بازمی‌داشتند، قتل و جنایت کاهش می‌یافت و پاکی و عفاف رو به رونق و فزونی می‌رفت. ولی وقتی نیکان با بدان درآمیزند طبیعی است که هرگز از فساد کاسته نخواهد شد و ظلم و جور گستره خاک را فرا خواهد گرفت.

۳-۲ مهم‌ترین آیات در زمینه مذکور، آیات مربوط به اصحاب «سبت» می‌باشد که آیات ۱۶۳ تا ۱۶۶ سوره اعراف هستند؛ داستان گروهی از بنی‌اسرائیل که قانون حرمت ماهیگیری را در روز شنبه زیر پا گذاشته و با حیله، قانون شکنی کردند. در این ماجرا مردم سه گروه شدند: الف) گروهی که خود، گناهکار و متخلف بودند. ب) گروهی که خود گناهکار نبودند، لکن در برابر گناه سکوت کردند و بی‌تفاوت بودند.



ج) گروه اندکی که نه تنها اهل گناه نبودند؛ بلکه نهی از منکر می‌کردند و متخلفان را از عواقب سخت قانون شکنی بر حذر می‌داشتند.

امام صادق(ع) در این باره می‌فرماید: «دو دسته از آنها (یعنی گناهکاران و سکوت کنندگان) هلاک شدند و دسته سوم (که گناه نکردند و امر به معروف و نهی از منکر نمودند) نجات یافتند»^{۳۱}.

این داستان، از طرفی ارزش و اهمیت قانون امر به معروف و نهی از منکر را می‌نمایاند و از طرفی دیگر بر پندارهای سطحی و حقیری که نسبت به این فریضه الهی وجود دارد و براساس آن عده‌ای تسامح و غفلت در برابر معاصی و فساد را توجیه می‌کنند و به سهولت از کنار آن می‌گذرند، خط بطلان می‌کشد و سکوت و بی‌اعتنایی در برابر مفاسد اجتماعی را گناه و معصیت بزرگی می‌داند که دامنگیر صاحبان تسامح و غفلت می‌شود.^{۳۲}

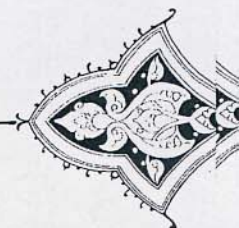
امر به معروف و نهی از منکر در سنت

امر به معروف و نهی از منکر از اهداف مهم و اقدامات اصولی ائمه(ع) و خصوصاً قیام امام حسین(ع) است تا جایی که حضرت در بیان هدف خود از نهضت الهی و عظیم عاشورا، از امر به معروف و نهی از منکر یاد می‌کند و می‌فرماید: «و انما خرجت لطلب الإصلاح فی امة جدی اريد ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر» من بدین هدف (از مدینه) بیرون آمدم که امت جدم را اصلاح نمایم و تصمیم دارم امر به معروف و نهی از منکر کنم.^{۳۳}

امام خمینی(ره) در این زمینه می‌فرماید: «انگیزه سیدالشهداء(ع) از همان روز اول قیام، اقامه عدل بود، انگیزه ایشان این بود که معروف را اقامه کند و منکر را از بین ببرد»^{۳۴}.

در عاشورا ضمن مبارزه با منکرهایی همچون رهبری فاسد و نالایق و رواج ضدارزشها و ... عملاً معروفهایی مطرح شده که در پیامهای عاشورا آمده است، گویی اراده الهی بر این تعلق گرفته تا امام حسین(ع) معلم ارزشها گردد، از جمله، درس مبارزه و جهاد در راه خدا، شهادت، اخلاص، تسلیم و توکل در برابر اراده الهی، عدم سازش با ستمکار، توجه به نماز حتی در میان جنگ و ...

توصیه ائمه(ع) به زنده نگهداشتن عاشورا نیز به همین منظور بوده است، چرا که آنان می‌دانستند زنده نگهداشتن



عاشورا؛ یعنی احیاء بسیاری معروفها و در یک کلمه احیاء دین که برترین اعمال انسانها و مؤمنان می باشد.

همچنین در سخنان پیامبر بزرگوار اسلام (ص) و ائمه (علیهم الصلوة والسلام)، امر به معروف و نهی از منکر جایگاه والایی دارد تا جایی که پیامبر (ص) ترک کننده این دو فریضه بزرگ را بی دین معرفی نمودند و شاهد این مطلب، گفتار پیامبر (ص) که فرمودند: «إن الله عزوجل لیبغض المؤمن الضعیف الذی لا دین له فقیل: و ما المؤمن الضعیف الذی لا دین له؟ قال (ص): الذی لا ینهی عن المنکر»^{۳۵} خداوند از مؤمن ناتوانی که دین ندارد، بدش می آید، پرسیدند: مؤمن ناتوان بی دین کیست؟ فرمود: آن کس که نهی از منکر نمی کند.

پیامبر (ص)، دین و ایمان شخص را به دلیل پرپا نداشتن نهی از منکر، ضعیف و ناقص می دانند.

حضرت امیر (ع) در این زمینه می فرماید: «من ترک انکار المنکر بقلبه و یده و لسانه فهو میت بین الاحیاء»^{۳۶} کسی که منکر را با قلب و دست و زبان، انکار نکند، او مرده ای میان زندگان است.

رسول اکرم (ص) فرمودند: هر کس امر به معروف و نهی از منکر کند و یا کار خیری را به کسی نشان دهد یا او را راهنمایی کند، او هم در آن خیر شریک است و هر کس به بدی امر کند و یا کسی را به بدی راهنمایی نماید در آن کار ناپسند، شریک است.^{۳۷}

تا جایی که پیامبر (ص) فرمودند: پیوسته خیر امت من در گرو امر به معروف و نهی از منکر و همکاری در کارهای نیک است و آنگاه که این امور را ترک کنند، برکات از آنها گرفته می شود، برخی دیگر مسلط می شوند و آنگاه نه در زمین (از انسانها) و نه در آسمانها (از ملائکه) یآوری دارند.^{۳۸}

امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) در وصیت خود به امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) فرمودند:

امر به معروف و نهی از منکر را فراموش نکنید که اگر ترک کردید، افراد پست بر شما مسلط می شوند، پس هر چه دعا کنید مستجاب نمی شود.^{۳۹}

امام رضا (ع) فرمودند: رسول خدا (ص) پیوسته می فرمودند: آنگاه که امت من امر به معروف و نهی از منکر را به عهده همدیگر گذارند، باید در انتظار بلای الهی باشند.^{۴۰}

امام باقر (ع) نیز در روایتی چنین فرموده اند: در آخرالزمان، گروهی از مردم ریا می کنند، تا جایی که اگر نماز (به گمان آنان) به محصول کار مالی و بدنی آنها ضرر وارد کند، آن را رها می کنند، همان گونه که برجسته ترین و شریف ترین

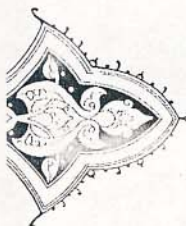
واجبات را (که امر به معروف و نهی از منکر باشد) رها می سازند...^{۴۱} در این روایت شریفه از امر به معروف و نهی از منکر به «أشمی الفرائض» و «أشرف الفرائض» تعبیر شده است، که با توجه به دیگر روایات و تعبیرهایی که درباره سایر واجبات به کار رفته است، می توان نتیجه گرفت که امر به معروف و نهی از منکر از برجسته ترین و از بارزترین واجبات شمرده می شود.

پیامبر (ص) فرمودند: آیا شما را خبر دهم از مردمی که پیامبر و شهید نیستند، اما انبیاء و شهدا در روز قیامت به جایگاه آنان که بر منابری از نور قرار دارند، غبطه می خورند؟ گفتند: ای رسول خدا! آنان چه کسانی هستند؟ فرمودند: آنان کسانی هستند که بندگان خدا را دوست دارند و خدا را به بندگانش محبوب می سازند و به دیگران پند و اندرز می دهند. گفتند: آنان چگونه خدا را بر بندگانش محبوب می سازند؟ فرمودند: مردم را به آنچه خدا دوست دارد، امر می کنند و آنان را از آنچه ناپسند می داند، نهی می کنند، اگر آنان این پند و اندرزها را بپذیرند، خداوند آنان را دوست خواهد داشت.^{۴۲}

قلمرو امر به معروف و نهی از منکر دایره ای است وسیع که شامل اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، نظامی و اقتصادی و... می شود. از این رو در هیچ مورد از آیات و روایات محدود نشده؛ بلکه در روایات به توسعه قلمرو آن تصریح گردیده است. مانند سخن امام باقر (ع) که فرمودند: به وسیله این اصل، سایر حوزه ها اصلاح می شود، راهها امن می گردد، کسبها حلال می شود، مظالم به صاحبان اصلی برگردانده می شود، زمین آباد می شود، از دشمنان انتقام گرفته می شود و کارها روبراه می گردد.^{۴۳}

همان طور که بیان شد فریضه امر به معروف و نهی از منکر، از بارزترین خصیصه انبیاء و ائمه (ع) می باشد تا جایی که با قول و عمل خویش دائماً بر برابری این دو فریضه بزرگ تأکید داشته اند، چنانکه در زیارتنامه های معصومین (علیهم السلام) از این دو فریضه الهی، به عنوان یکی از شاخصهای اساسی و مهم زندگی آنها یاد می کنیم. مانند آنچه در زیارت جامعه آمده است: «و أمرتم بالمعروف و نهیتم عن المنکر و جاهدتم فی الله حق جهاده حتی اعلنتم و بینتم فرائضه» امر به معروف و نهی از منکر نمودید و حق جهاد را در دین خدا بجا آوردید تا آنکه دعوت الهی را آشکار ساخته واجباتش را بیان نمودید.^{۴۴}

همچنین در زیارتنامه امام حسین (ع) در حرم امیرالمؤمنین (ع) می خوانیم: «و أمرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و تلوت کتاب حق تلاوته» امر به معروف و نهی از منکر نمودی و



قرآن را چنانچه شایسته است خواندی. ۴۵

نتیجه‌گیری

در فضایی که خداوند در قرآن کریم، امر به معروف و نهی از منکر را از صفات برجسته خویش، پیامبران و مؤمنان برمی‌شمارد و کسانی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، مورد ذم و نکوهش قرار می‌دهد، جایگاه این امر خطیر مشخص می‌شود.

و از طرفی ائمه اطهار(ع) دائماً با قول و عمل خویش به این مهم اشاره داشته‌اند، و بارها بیان کرده‌اند که امر به معروف و نهی از منکر، از برجسته‌ترین و شریف‌ترین واجبات است که اگر کسی آن را ترک کند، بی‌دین و مانند شخص مرده است، و در جامعه‌ای که این فریضه ترک شود، برکت از آن جامعه رخت برمی‌بندد و بلای الهی بر این جامعه نازل خواهد شد و افراد پست، بر این جامعه مسلط خواهند شد. و از سویی دیگر مشخص می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر، منحصر به قلمرو خاصی نیست؛ بلکه نیاز است در تمام عرصه‌های فردی و اجتماعی ساری و جاری گردد، چنانکه در متن از قول امام باقر(ع) ذکر شد، که ایشان فرمودند: به‌وسیله این اصل، سایر حوزه‌ها اصلاح می‌شود، راه‌ها امن می‌گردد، کسبها حلال می‌شود، مظالم به صاحبان

اصلی برگردانده می‌شود، زمین آباد می‌شود، از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و کارها روبراه می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت که امر به معروف و نهی از منکر، می‌تواند دو ناجی جامعه باشند، و جامعه‌ای که این فریضه در آن جریان داشته باشد به فلاح و رستگاری خواهد رسید و اگر خدای ناکرده به فراموشی و غفلت سپرده شود، سرانجامی خلاف این خواهد داشت.

با این بیان، اهتمام خداوند در قرآن کریم در جهت روشن کردن اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و سعی و تلاش و سفارشات انبیاء و ائمه(علیهم‌السلام) جهت احیاء این امر الهی و همچنین فلسفه قیام سیدالشهداء(ع) و آن همه مشقت در راه احیاء این فریضه بزرگ، روشن می‌گردد که همه در جهت احیاء دین و تکامل و رشد و هدایت بشر و در نتیجه سعادت اخروی او می‌باشد.

در عصر حاضر نیز که انجام هر منکر، موجب تأخیر ظهور حضرت ولی‌عصر(عج) می‌گردد، همه مسلمانان باید بکوشند تا پیش از پیش این فریضه الهی را احیاء کرده و با برپایی اوامر الهی، برپایی حکومت جهانی عدل و داد حضرت بقیةالله(ارواحنا له الفداه) را میسر سازند.

پی‌نوشتها

- ۱- لغت‌نامه دهخدا، ج ۱ ص ۱۱۲.
- ۲- آل‌عمران، ۱۵۹.
- ۳- بقره، ۲۱۰.
- ۴- لغت‌نامه دهخدا، ج ۱ ص ۱۱۲.
- ۵- اعراف، ۲۹.
- ۶- اسراء، ۸۵.
- ۷- لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۲ ص ۷۰۲.
- ۸- نازعات، ۴۱ و ۴۰.
- ۹- المفردات فی غریب القرآن و نیز: مجمع البحرین، ص ۱۰۹.
- ۱۰- همان، ص ۱۱۲.
- ۱۱- همان.
- ۱۲- همان، ص ۳۱۴.
- ۱۳- الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، کتاب الامر بالمعروف، ص ۱۱۸.
- ۱۴- المرآة، ص ۸۰.
- ۱۵- التعریفات، ص ۱۶.
- ۱۶- وسائل الشیعة، ج ۱۱ ص ۱۲.
- ۱۷- صحیفه نور، ج ۱۵ ص ۱۰.
- ۱۸- روم، ۳۰.
- ۱۹- اصول کافی، ج ۱، کتاب العقل و الجهل، حدیث ۳.
- ۲۰- نحل، ۹۰.
- ۲۱- تفسیر نمونه، ج ۱۱ ص ۳۷۱.
- ۲۲- مریم، ۵۵ و ۵۴.
- ۲۳- اعراف، ۱۵۷.
- ۲۴- توبه، ۷۱.
- ۲۵- توبه، ۱۱۲.
- ۲۶- آل‌عمران، ۱۱۴.
- ۲۷- آل‌عمران، ۱۰۴.
- ۲۸- تحریرالوسیله، ج ۱ ص ۴۴۴.
- ۲۹- آل‌عمران، ۱۱۰.
- ۳۰- هود، ۱۱۶.
- ۳۱- مجمع البیان، ج ۴ صص ۲۲۵ و ۲۲۶.

- ۳۲- شیبیه این داستان درباره قوم حضرت شعیب(ع) نقل شده است. امام محمدباقر(ع) می فرماید: خداوند متعال به حضرت شعیب(ع) وحی فرمود: ۱۰۰۰۰۰ نفر از قوم تو را هلاک می کنم، با آنکه ۴۰۰۰۰ نفر از آنها بدکار و ۶۰۰۰۰ نفر نیکوکار هستند. حضرت شعیب(ع) عرض کرد: بدکاران به هلاکت و نابودی سزاوارند، ولی نیکوکاران چرا هلاک شوند؟ پاسخ شنید: برای آنکه با بدکاران نشست و برخاست می کنند و هم سفره می شوند و بر آنها خشم نمی نمایند و در مقام منع آنان بر نمی آیند(فروع کافی، ج ۱ ص ۹۷).
- ۳۳- بحار الأنوار، ج ۲۴ ص ۳۲۹.
- ۳۴- صحیفه نور، ج ۲۰ ص ۱۹۶.
- ۳۵- معانی الاختیار، ص ۳۴۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱ ص ۳۹۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۰ ص ۷۷.
- ۳۶- نهج البلاغه، حکمت ۱۶.
- ۳۷- وسائل الشیعه، ج ۱۱ ص ۳۹۸.
- ۳۸- همان.
- ۳۹- نهج البلاغه، نامه ۴۷.
- ۴۰- وسائل الشیعه، ج ۱۱.
- ۴۱- تهذیب الاحکام، ج ۶ ص ۱۸۰.
- ۴۲- کنز العمال، ج ۳ ص ۶۸۹.
- ۴۳- وسائل الشیعه، ج ۱۱ ص ۳۹۵.
- ۴۴- من لا یحضره الفقیه، ج ۲ ص ۳۷۱.
- ۴۵- بحار الأنوار، ج ۹۷ ص ۲۲۹.

منابع و مأخذ

۱. قرآن مجید، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الاخبار، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۰ ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۴ ق.
۵. جرجانی، علی بن محمد، التعریفات، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۴ ق.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۱، قم: مؤسسه آل‌البیت(ع)، ۱۳۶۸ ش.
۷. خمینی، روح‌الله، تحریر الوسیله، ج ۱، قم: اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۸. خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، ج ۱۵، تهران: چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۹. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۰. شهید اول، محمد بن مکی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، تهران: علمیه اسلامیة، ۱۳۶۳ ش.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۸ ق.
۱۲. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، قم: مؤسسه البعثة، ۱۴۱۵ ق.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة الشیخ المفید، ج ۶، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۶ ق.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، تهران: علمیه اسلامیة، ۱۳۴۸ ش.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، القروع من الکافی، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۵۹ ش.
۱۶. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۲ ش.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۱، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۵ ش.
۱۸. هندی البرهان، ابن حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۳، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق.